

نشانه‌شناسی لباس‌ها در نگاره‌های
 محمد سیاه‌قلم مبتنی بر آراء رولان
 بارت / ۶۹-۸۵
 زینب کریمی بابا احمدی - خشایار
 قاضی‌زاده



دزدیدن اسب توسط دیوها، برگی از
 یک مرقع، ترکیبی از طلا، آب‌مرکب
 مات روی کاغذ زیر و خشن، با خطوط
 نستعلیق و شکسته و خط‌کوفی، محمد
 سیاه‌قلم، سده ۱۵ میلادی، احتمالاً
 تبریز، مأخذ: flickr.com



نشانه‌شناسی لباس‌ها در نگاره‌های محمد سیاه‌قلم مبتنی بر آراء رولان بارت *

زینب کریمی بابا احمدی ** خشایار قاضی زاده ***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۳

صفحه ۶۹ تا ۸۵

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

آثار محمد سیاه‌قلم به دلیل تمرکز در نمایش انواع لباس‌ها قابل بررسی است. نظام پوشاک به عنوان یکی از عناصر نشانه‌ای توسط رولان بارت مطرح شد. اهداف این پژوهش، نشانه‌شناسی لباس‌ها در نگاره‌های محمد سیاه‌قلم و رمزگشایی دلالت‌های آن‌هاست. سؤال‌های این پژوهش شامل ۱. با توجه به آراء رولان بارت، لباس‌ها در نگاره‌های محمد سیاه‌قلم بر چه وجوه نشانه‌شناسی استوار است؟ ۲. وجوه افتراق و اشتراک لباس‌ها در نگاره‌های محمد سیاه‌قلم با توجه به جایگاه اجتماعی اقشار مختلف موجود در نگاره‌ها کدام است؟ روش تحقیق این مقاله توصیفی تحلیلی است و شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی است و جامعه آماری نگاره‌های سیاه‌قلم با محوریت ترسیم لباس‌هاست که نه نگاره‌ها در میان منابع معتبر به صورت غیر تصادفی انتخاب شده و تارسیدن به اشباع نظری به آن‌ها پرداخته شده است و تجزیه و تحلیل بصورت کیفی است. نتایج نشان می‌دهد؛ دقت نظر سیاه‌قلم در استفاده از پوشش به مثابه نشانه‌بصری، جهت معرفی شخصیت‌های نگاره‌هاست. در آثار سیاه‌قلم نمادها در اندازه و بلندی لباس، میزان پوشیدگی و همچنین در سطحی دیگر، در استفاده از الحاقات وابسته به لباس قابل پیگیری و طبقه‌بندی است. رولان بارت اشاره دارد که نوع و میزان پای‌بندی به این نمادها، در تلقی مخاطب از سطح اجتماعی افراد قابل دریافت است که در شخصیت‌های خلق شده توسط سیاه‌قلم، لباس و نوع نمایش آن در پیکره‌ها، مخاطب را در تفکیک شخصیتی هر کدام از طیف‌های اجتماعی تصویر شده به وسیله وی هدایت می‌کند.

واژگان کلیدی

نشانه‌شناسی، لباس، نگارگری، محمد سیاه‌قلم، رولان بارت

*مقاله حاضر مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد رشته نقاشی ایرانی، دانشکده هنر دانشگاه شاهد، نویسنده اول با عنوان: «زیبایی و زشتی در عجایب نگارهای استاد محمد سیاه‌قلم» به راهنمایی نویسنده مسئول است.

** دانشجوی کارشناسی ارشد نقاشی ایرانی، دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، شهر تهران، استان تهران

Email: zeynab.karimy@gmail.com

*** استادیار دانشکده هنر (گروه هنر اسلامی)، دانشگاه شاهد، شهر تهران، استان تهران (نویسنده مسئول)

Email: Ghazizadeh@shahed.ac.ir

مقدمه

نوع لباس مردم در سرزمین‌های مختلف، بیانگر فرهنگ و تمدن و نوع زیست آنان است که علاوه بر کارکرد اولیه خود - پوشانندگی - از لحاظ نوع پارچه، انواع دوخت، رنگ‌های مورد استفاده و جنبه زیبایی نیز قابل بررسی و پیگیری است. اهمیت نمادین پوشاک در هنرها بیش‌تر جلوه‌گر است و هنر نگارگری نیز از این امر مستثنی نیست. در این نوشتار برای درک نمادها و کشف معانی پوشاک نگاره‌های محمد سیاه‌قلم با توجه به نظریات رولان بارت، به جنبه نشانه‌شناسی و همچنین دسته‌بندی نگاره‌ها اشاره شده است. از آن‌جا که هویت هر فرد توسط طبقه اجتماعی وی مشخص می‌شود، ضروری به نظر می‌رسد که تفاوت میان طبقات و گروه‌های ترسیم‌شده در نگاره‌های محمد سیاه‌قلم معین گردد. لذا هر فرد وابسته به طبقه‌ای که در آن قرار می‌گیرد، ملزم به رعایت نحوه‌ای خاص از نوع و رنگ پوشش مخصوص همان طبقه بود. تبیین نشانه‌شناسی رولان بارت در مورد لباس، لباس‌ها به مثابه رمزگان اجتماعی، معرفی و دسته‌بندی آثار استاد محمد سیاه‌قلم و تفکیک لباس‌های موجود در نگاره‌های سیاه‌قلم در قالب جدول - براساس طبقه اجتماعی و موضوع آن‌ها - از دستاوردهای پژوهش است.

با توجه به فراوانی و تنوع لباس‌های ترسیم‌شده توسط سیاه‌قلم، این نوشتار به نقش و اهمیت لباس در نشان دادن شخصیت‌های خلق‌شده توسط وی پرداخته و همچنین با تمرکز بر نوع پوشش افراد با طبقه اجتماعی مختلف، سعی دارد به جنبه‌های مغفول‌مانده در نگاره‌های سیاه‌قلم بپردازد؛ جنبه نوآوری این نوشتار از این قرار است که با توجه به دقت نظر و اهمیت ترسیم لباس‌ها برای نگارگر مورد پژوهش تاکنون پژوهش جامعی متمرکز بر نقش لباس‌های نگاره‌های وی صورت نگرفته و این مبحث به بخش کوچکی از تحقیقات کلی‌تر محدود شده است.

هدف این پژوهش، نشانه‌شناسی لباس‌ها در نگاره‌های محمد سیاه‌قلم و رمزگشایی و دلالت‌های آن‌هاست. این پژوهش در پی پاسخ به این **سؤالات** است: ۱. با توجه به آراء رولان بارت، لباس‌ها در نگاره‌های محمد سیاه‌قلم بر چه وجوه نشانه‌شناسی استوار است؟ ۲. وجوه افتراق و اشتراک لباس‌ها در نگاره‌های محمد سیاه‌قلم با توجه به جایگاه اجتماعی اقشار مختلف موجود در نگاره‌ها کدام است؟ **ضرورت و اهمیت** نوشتار پیش‌رو، پیگیری لباس‌های موجود در نگارگری‌های محمد سیاه‌قلم مبتنی بر نشانه‌شناسی رولان بارت است که با بررسی رنگ، فرم، بافت و حدود پوشانندگی و کارکردهای نمادین لباس‌ها در نگاره‌های نگارگر مورد پژوهش صورت می‌گیرد. این مقاله سعی دارد با تمرکز بر لباس‌ها در نگاره‌های محمد سیاه‌قلم، نشان دهد که پوشش و جلوه‌های نمادین آن، نوع پرداخت و طراحی نگاره‌ها در ارتباط با رمزگشایی از شخصیت سیاه‌قلم تاکنون به نحوی متمرکز مورد بحث و

توجه قرار نگرفته است.

روش تحقیق

مطالب این نوشتار به روش توصیفی-تحلیلی مورد مذاقه قرار گرفته و رویکرد آن کیفی است. شیوه جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی و با استفاده از منابع الکترونیک، ابزار فیش، می‌باشد. پژوهش پیش‌رو با بررسی رنگ، فرم، بافت و حدود پوشانندگی و کارکردهای نمادین لباس‌ها در نگاره‌های محمد سیاه‌قلم با تکیه بر نظریات رولان بارت در زمینه پوشاک و لباس صورت گرفته و جامعه آماری این مقاله، کلیه نگاره‌های در دسترس در موزه‌ها و کتابخانه‌های ایران و جهان است که از میان نمونه‌های مرتبط با این پژوهش، نه نگاره به صورت غیرتصادفی برگزیده شده و تا رسیدن به اشباع نظری، مورد تحلیل قرار می‌گیرند. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات به صورت کیفی بوده و از طریق توصیف و تحلیل نگاره‌ها از منظر عنوان پژوهش - در نگاره‌های سیاه‌قلم - تجزیه و تحلیل و بررسی صورت گرفته است.

پیشینه تحقیق

در زمینه آثار محمد سیاه‌قلم، نشانه‌شناسی و نوع پوشش و زیوالات در نگارگری ایران پژوهش‌های متعددی صورت گرفته که شماری از آن‌ها به ترتیب مقاله، پایان‌نامه و کتاب بدین شرح هستند؛ نصری (۱۴۰۰)، در مقاله «ساتیر در نقاشی‌های محمد سیاه‌قلم» در مجله مطالعات هنرهای زیبا، شماره ۳، عنوان کرده است که کارهای محمد سیاه‌قلم دارای ویژگی‌ها و خصوصیتی است که در مقایسه با جریان کلی نگارگری - که همواره برپایه معیارهای مشخصی شکل گرفته - نوعی آشنازدایی را به نمایش می‌گذارد. نتیجه‌گیری یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که محمد سیاه‌قلم در مواردی هم‌چون انتخاب موضوع، ایجاد ترکیبات جدید و همچنین استفاده از شگردهایی مانند اغراق، تکرار و چگونگی کاربرد شیوه‌های اجرا از قواعد نگارگری فراتر رفته است. چگونگی به کارگیری شگردهای یادشده، امکان بررسی مفهوم آشنازدایی را دارد و سطح ساختاری و غیرساختاری در آثار او فراهم می‌کند. خبیری (۱۳۹۸)، در مقاله خود با عنوان «مقایسه تطبیقی تصاویر دیوهای محمد سیاه‌قلم با دیوهای نگارگری ایران (معراج‌نامه و خاوران‌نامه)» منتشرشده در نشریه مطالعات هنر اسلامی، دوره ۱۶، شماره ۳۶، عنوان می‌کند؛ یکی از دلایلی که باعث شد تا نگارگران ایرانی در به تصویر کشیدن تصویر دیو از محمد سیاه‌قلم تأثیر نپذیرند، این بود که آثار محمد سیاه‌قلم توسط سلطان سلیم به ترکیه منتقل شده است و نگاره‌هایی از او در دسترس هنرمندان وجود نداشته است. همچنین محمد سیاه‌قلم به دلیل تغییر شیوه کاری‌اش از حمایت دربار محروم شد و کم‌کم سبک کار او



منسوخ شد. میرزایی مهر (۱۳۹۷)، در مقاله «مقایسه تطبیقی دیونگارهای محمد سیاه‌قلم با سلطان محمد عراقی» که در مجله مطالعات هنر اسلامی، شماره ۳۶ انتشار یافته، اهداف پژوهش را چنین بیان کرده: بررسی هویت محمد سیاه‌قلم و تحقیق درباره آثارش و به‌طور خاص نگاره‌های حاوی تصویر دیو. در بخشی از نتایج آورده شده که استاد محمد سیاه‌قلم همان «غیاث‌الدین محمد نقاش» است که در کتابخانه امیر علی‌شیر نوایی کار می‌کرده است. خردمند و حسینی (۱۳۹۶)، در مقاله «گروتسک در آثار محمد سیاه‌قلم» که در کنفرانس علمی دانشجویان شاغل به تحصیل در فدراسیون روسیه منتشر شده، نوشته اند: سیاه‌قلم یکی از برجسته‌ترین نگارگران قرن نهم ایران است که با سبک خاص خود نوعی گروتسک را در هنر ایران به نمایش درآورد. در این مقاله تلاش شده است ضمن معرفی سبک گروتسک با تمرکز بر آثار سیاه‌قلم به‌عنوان برجسته‌ترین هنرمند این حوزه، به نمونه‌های مربوط به این سبک در هنر ایران اشاره شود. حاجی‌پور فهادان (۱۴۰۰)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد «بررسی تأثیر نگاره‌های دیو محمد سیاه‌قلم بر نگارگری ایران»، رشته هنرهای تجسمی (هنرهای تصویری) نقاشی به راهنمایی کاظم چلیپا و مشاوره علی‌اصغر شیرازی، دانشگاه شاهد، در ابتدا به بررسی و تحلیل واژه دیو از زوایای مختلف پرداخته شده است. سپس ملیت و هویت محمد سیاه‌قلم مورد بررسی قرار گرفته است. پس از بررسی هویت محمد سیاه‌قلم و تحقیق درباره آثار وی و به‌طور خاص نگاره‌هایی که حاوی تصویر دیو بوده، به تحلیل تأثیرات استاد محمد سیاه‌قلم روی نگارگران ایرانی پرداخته شده است. آرژند، مرادی آهن و بناپور (۱۳۹۱) در کتابی تحت عنوان «استاد محمد سیاه‌قلم، نابغه‌ای فراموش‌شده» که توسط نشر الکترونیک روژین منتشر شده است، فرضیه‌ای را مطرح می‌کنند: استاد محمد سیاه‌قلم نگارگر مطرح‌سده نهم هجری، غیاث‌الدین محمد نقاش دوره بایسنقر میرزاست که در همراهی با هیأت سیاسی شاه‌رخ در سفر به چین، گزارشی تحت عنوان «عجایب اللطایف» (مکتوب و مصور) ارائه می‌دهد. در مقاله پیش‌رو، محوریت بر موارد مورد اغفال واقع‌شده (لباس‌ها در نگاره‌های محمد سیاه‌قلم) مبتنی بر نشانه‌شناسی رولان بارت است. لباس‌های موجود در نگاره‌های محمد سیاه‌قلم همواره بخشی از پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه بوده که به‌صورتی متمرکز، پژوهشی در انواع و دلایل آن‌ها صورت نگرفته است.

چارچوب نظری

نشانه‌شناسی یکی از روش‌های جدید در علوم انسانی است که از دهه ۱۹۵۰ میلادی مانند روش پژوهش و به‌صورت خاص در «شناخت دلالت‌ها» و «ادراک سازوکار ارتباط‌ها» به‌کار می‌رود. سوسور^۲، نشانه‌شناسی را دانشی جهت

لباس‌ها به‌مثابه رمزگان اجتماعی

کلمه لباس از مصدر «لبس» است که در عربی به‌معنای شبهه و اشکال و عدم وضوح آمده. در میان اعراب تمام کشورها، کلمه لباس به‌معنای پوشاک است (دزی، ۱۳۹۱، ۳۷۱). این کلمه در فارسی واژه‌های پوشش، تن‌پوش و پوشاک را تداعی می‌کند و همچنین تن‌پوش‌هایی چندلایه و دوخته‌شده از پارچه‌های مجلل (سودآور دیا، ۱۳۸۲، ۱۹۶). رولان بارت در کتاب عناصر نشانه‌شناسی بیان می‌کند: با وجود این‌که عقاید سوسور، راهنما و راهگشایی برای وی بودند، ولی نشانه‌شناسی همچنان به‌صورت دانشی جدید بوده و امروزه برخلاف سوسور که زبان‌شناسی را بخشی از دانش عمومی نشانه‌ها می‌دانست، نمی‌توان مطمئن بود که بتوان آن را در زندگی امروزه و بیرون از حوزه زبان‌شناسی پیدا نمود؛ درنتیجه در شناسایی چنین نظام‌هایی باید گفت، این‌ها به‌صورت زبان درجه دوم هستند که واحدهای آن‌ها، دیگر تک‌کلمه‌ها و واژه‌ها نیستند بلکه بخش‌های بزرگ‌تری از کلام تلقی می‌شوند که به اشیاء یا قسمت‌هایی اشاره دارند و به‌احتمال زیاد، تنها از طریق زبان‌شناسی می‌توان به آن‌ها دست یافت. درنتیجه باید گفت که این نشانه‌شناسی است که جزئی از زبان‌شناسی است (Barthes, 1967, 12-14).

بدیهی است که کارکرد اصلی پوشاک برای پوشاندن بدن است؛ این در حالی است که می‌توان دلالت‌های معنایی نیز برای آن در نظر گرفت. این‌گونه نشانه‌ها که دارای کارکردهای خاص هستند، می‌توانند نشانه کارکردی و یا کارکرد-نشانه نام‌گذاری شوند. تخصص بارت در زمینه

1. Semiotics
2. Ferdinand de Saussure
3. Charles Sanders Peirce
4. Umberto Eco

و تحول نمادها بر اثر تغییر قرارداده‌ها. ب: تفاوت روابط نمادین یا به عبارت دیگر قرارداده‌ها میان خرده‌فرهنگ‌ها، گروه‌ها و افراد مختلف (دسته‌های قواعد مختلف) (یگانه و کشفی، ۱۳۸۶، ۶۸).

درآمدی بر پوشاک ایران در دوره تیموریان

لباس و پوشاک در هر قوم و ملتی بیانگر مراتب و جایگاه اجتماعی اشخاص در آن جوامع بوده و عامل مهمی برای تحقیق در مورد فرهنگ، تاریخ و تمدن یک جامعه است. پوشاک که از نمادهای فرهنگی در زندگی انسان‌هاست در ادوار گوناگون تاریخ دچار دگرگونی‌هایی گشته و همواره دارای تنوعی چشم‌گیر بوده است. بررسی پوشاک هر دوره می‌تواند یکی از پرارزش‌ترین منابع برای شناخت و درک توده‌های مختلف باشد. در عصر حکمرانی تیموریان که از ادوار مهم و تأثیرگذار در تاریخ ایران بوده است به‌رغم نابسامانی و منازعات داخلی تغییرات قابل توجهی در فرهنگ و تمدن ایران به صورت آشکار پدید آمد. از دوره تیموریان منابع مکتوبی که ذکری از پوشاک به میان آورده باشند، بسیار محدود است، به همین جهت مشاهده آثار نگارگری از اواخر قرن هشتم تا اوایل قرن دهم هجری قمری ضروری به نظر می‌رسد.

پوشاک و لباس یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های اجتماعی و فرهنگی برای بررسی جامعه عصر تیموری به شمار می‌رود. لباس زنان (تصویر ۱) و مردان در دوره تیموریان را در یک نگاه کلی می‌توانیم به سه بخش شامل سرپوش‌ها، تن‌پوش‌ها و پای‌پوش‌ها طبقه‌بندی کرد. سرپوش‌های مردان عموماً شامل انواع کلاه و دستار بود. در میان کلاه‌ها، قوس‌ها و یا گردشی از طرح وجود دارد که یادآور سده‌های اول اسلام و پیش از آن است. عمامه، سرپوش عمومی مردم سده نهم هجری بوده است. عمامه را بر دور کلاهی نیم‌گرد و شیاردار می‌پیچیدند (ضیاءپور، ۱۳۴۹، ۳۲۴-۳۲۳). در این دوره سرپوش‌های زنان بسیار متنوع بود. سرپوش بانوان شامل عرقچین، روسری یا لچک، مقنعه، دستار و چادر بود (تصویر ۱) (ضیاءپور، ۱۳۴۷، ۱۶۰-شیرازی، ۱۳۷۰، ۱۶-۱۹۴). تن‌پوش‌های مردانه در این دوره عموماً شامل قبا و پیراهن بود. قباها به صورت قبای زیر و قبای رو و با آستین‌های بلند کوتاه مورد استفاده قرار می‌گرفت (قپانداران، ۱۳۹۱، ۱۰۱-۱۰۰). قبای رویی اغلب سراسر باز می‌ماند و یا این‌که در ناحیه گردن و پایین کمر برای نشان دادن سایر بالاپوش‌های زیرین و نیز پیراهن‌های بلندی که در زیر پوشیده شده بود، باز گذاشته می‌شد (تصویر ۲) (متین، ۱۳۹۱، ۱۰۰). پیراهن‌های زنانه همگی بلند بودند و غالباً آستین‌های بلندی داشتند. یقه‌های آن‌ها به صورت گرد، سه‌گوش، مستطیل‌شکل، یقه‌هفت و گاهی بدون یقه دیده می‌شود (ضیاءپور، ۱۳۴۷، ۱۵۹). با بررسی دقیق نگاره‌های دوره تیموری می‌توان دریافت که

نشانه‌شناسی، روی نشانه‌های کارکردی بنا شده است بدین صورت که وی میان اشیاء و عناصری نظیر پوشاکی مشخص و یا مدلی از اتومبیل، یک نوع ادای حرکتی، یک فیلم، ژانری از موسیقی و یا نوعی مبلمان؛ وجوه مشترکی می‌یابد. به نظر وی، آن‌ها همگی نشانه هستند و البته به این نکته اشاره دارد که نوع لباس‌ها، مبین شرایط اقتصادی و طبقه اجتماعی فردی است که از آن استفاده کرده (مونس‌سی سرخه، ۱۳۹۴، ۴۵). لباس منبعی نشانه‌ای است؛ بدین معنا که به لایه‌های مختلفی از جمله جنس، شکل، رنگ و بافت تقسیم می‌شود. لباس می‌تواند در حکم رسانه (ابزار) متون غیر از خود عمل کند؛ در کارکرد رسانه‌ای‌اش بیان به واسطه رنگ، نقوش و نقش‌مایه‌ها و نقش‌مایه‌های زبانی (کلمات نوشته‌شده روی لباس‌ها) را قابل امکان می‌کند. تفاوت در نقش‌ها، نقش داشتن یا نداشتن از نمونه‌های منابع نشانه‌ای برای بیان تفاوت‌های اجتماعی هستند. در تاریخ ایران نمونه‌های متعددی از نقش و به صورت خاص نوشته‌هایی که بر لباس شاه، حاکمان و صاحبان قدرت وجود دارد که نشان‌دهنده جایگاه اجتماعی آن‌ها بوده است (بنی‌اسدی و سجودی، ۱۳۹۴، ۲۴). هر سبکی از لباس را می‌توان به یک دسته از قواعدی که راجع به مجموعه‌ای از ارزش‌ها هستند، تعلق داد و می‌توان گفت، هر سبکی از لباس به همراه همه پیام‌ها و باورهای آن، گفتمانی را به نام «گفتمان پوشش» تشکیل می‌دهد (جوادی یگانه، ۱۳۸۶، ۸۰). رولان بارت، دیدگاه‌های جامعه‌شناختی و فرهنگی‌ای نظیر نظام پوشاک، نظام غذا، نظام اتومبیل و اثاثیه منزل را با استفاده از رویارویی زبان / گفتار مشخص می‌کند؛ زیرا زبان به عنوان نهادی ارزشی و اجتماعی، به صورت یک فعل در نظر گرفته نمی‌شود و فعلی فردی فرد نمی‌تواند آن را خلق کند در صورتی که گفتار ذاتاً به حساب می‌آید و ریشه در انتخاب و افکار فردی دارد. در نتیجه آن را به صورت نظامی تحت عنوان زبان / گفتار در نظر می‌گیرد که همه نظام‌ها را شامل گردد (بارت، ۱۳۷۰، ۳۵). نظام نشانه‌ای پوشاک با توجه به محورهای انتخاب و ترکیب عمل می‌کند، این امر می‌تواند توسط یک مرکز مد صورت گیرد و یا این‌که به صورت فردی انجام شود (Keir, 2001, 12). نشانه و نمادین بودن پوشش می‌تواند در ارتباط با لباس، یک سری دال‌های اخلاقی و سیاسی را نمایندگی کند (جوادی یگانه، ۱۳۸۶، ۶۸). یک لباس، نماد مردانگی، لباس دیگر نشانه زنانگی، یک لباس نشانه‌ای بر ارزش‌هایی نظیر حجب، عفت و لباسی دیگر نمادی از نو بودن یا به طور کلی مدرن بودن است. نشانه و نمادین بودن پوشش، صرفاً در ارتباط لباس با گروه‌ها و صنوف خلاصه نمی‌شود، بلکه لباس می‌تواند یک سری دال‌های اخلاقی و سیاسی را هم نمایندگی کند. توجه به جنبه قراردادی لباس می‌تواند ما را به دو سطح از تحلیل رهنمون سازد. لذا می‌توان از دو جنبه به قراردادی بودن پوشش اشاره داشت: الف: تاریخ تکوین

ایلخانان مقایسه می‌کنیم. نکته دیگری که از بررسی نگارگری‌های این دوره برمی‌آید، این است که پوشاک زنانه دوران تیموریان عموماً حالت آزاد و گشاد دارد (شیرازی، ۱۳۷۰، ۱۹۱). سایر ویژگی‌های لباس‌های این دوره (بدون تفکیک جنسیتی) در جدول ۱ آمده است.

دسته‌بندی نگاره‌های استاد محمد سیاه‌قلم

در دوره تیموریان به‌رغم نابسامانی و منازعات داخلی، تغییراتی قابل توجه در فرهنگ و تمدن ایران به‌صورت آشکار پدید آمد. در این دوره به‌دلیل انتقال صنعتگران و هنرمندان از مناطق مفتوحه به سمرقند، زمینه رشد پوشاک نیز فراهم آمد (یوسف‌پور و فیاض انوش، ۱۳۹۵، ۱۹۱). صنعت پارچه‌بافی در دوره تیموریان گام مهمی در راه رسیدن به تکامل برداشت. به‌همین دلیل پوشاک و لباس به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های اجتماعی و فرهنگی برای بررسی جامعه عصر تیموری محسوب می‌شود (ضیاءپور، ۱۳۴۹، ۲۲۳-۲۲۴). اگر از زاویه موضوعی و مضمونی به نگاره‌های «استاد محمد سیاه‌قلم» بنگریم، بازندگی بیابان‌نشینان، دیوها



تصویر ۱. نمایش چارقد، مقنعه و نوار توری موی سر، سده نهم هجری، مأخذ، ضیاءپور، ۱۳۴۷، ۱۶۳.

برای هر موقعیت خاص، لباس‌های مخصوص و مناسب با آن موقعیت مورد استفاده قرار می‌گرفته است و این خود می‌تواند یکی از دلایل مهم در افزایش یافتن انواع لباس‌ها باشد؛ به‌خصوص وقتی پوشاک زنانه تیموریان را با پوشاک زنانه

جدول ۱. ویژگی‌های پوشاک موجود در نگاره‌های دوره تیموری، مأخذ: نگارندگان

ردیف	ویژگی‌های نمونه‌های نگارگری
۱	دراعه جلوباز (با قرار دادن یک لبه روی لبه دیگر)، جلوی قبا بسته می‌شد / تن پوش ساده در زیر قبا
۲	یقه گرد و تنگ / یقه باز و هفتی شکل
۳	استفاده از روسری‌های مخصوص
۴	قبای جلوباز / قبایی با آستین‌های بلند تا به سرانگشتان دستان / قبای بلند تا حدود قوزک پا / قبایی با آستین‌های بلند و تنگ تا مچ دستان
۵	جامه با آستین‌های گشاد و بلند تا مچ دستان / جامه‌ای آستین کوتاه تا بالای آرنج (جامه زیرین، از آستین‌ها بیرون است / جامه‌ای کوتاه و بدون آستین و یا با آستین بسیار کوتاه (خفتان) / جامه با آستین‌های گشاد و بلند تا مچ دستان
۶	کفش‌های بدون ساق و جلوی نوک تیز مخصوص زنان
۷	وجود حاشیه در لبه جامه و سر مچ دستان
۸	شلوار کوتاه و گشاد / شلوار گشاد و بلند / شلوار تنگ
۱۰	استفاده از انواع کلاه: کلاه بلند که دور آن را با عمامه می‌بستند
۱۱	استفاده از عمامه‌هایی که انتهای آن از دو طرف صورت آویزان شده و گوش‌ها را می‌پوشاند
۱۲	کفش‌هایی با ساق‌های بلند و جلوی نوک تیز
۱۳	استفاده از تاج و نیم تاج



تصویر ۲. نمایش کلاه و دستار صوفیان، سماع درویشان (سماع صوفیان)، نگاره منسوب به کمال‌الدین بهزاد، ۸۹۰ ه. ق (۱۴۸۰ میلادی)، ورقه از دیوان حافظ، موزه متروپولیتن نیویورک، مأخذ:

<https://artang.ir/behzad-iranian-miniature-painter>

در نقاشی‌ها به‌کار می‌رفته است. اگر پوشاک و کلاه‌های حاصل از خز ببر و پلنگ به‌عنوان وجه مشخصه‌ای برای

یا انسان‌هایی با نقاب دیو، چادرنشینان، دراویش، دیوهای دو یا سه‌نفره در حال بحث، خانوارهای سرگردان همراه زنان کودکان و اسبان لاغر، تاجران و انسان‌هایی که در حال انجام کارهای روزانه‌اند، مواجه می‌شویم. در این مقاله آثار به سه گروه تقسیم شده‌اند: ۱- تصاویر زندگی روزمره، ۲- دیوها، ۳- سایر آثار.

۱- تصاویر زندگی روزمره

این گروه از آثار محمد سیاه‌قلم شامل نگاره‌هایی از زندگی روزمره انسان‌هاست. پیکره‌های طراحی‌شده، مردانی بالغ و سالمندند با کفش و لباس‌های بلند و گشاد، ریش‌های بلند دارند و کلاه‌هایی با اشکال و جنس‌هایی از نمد، خز و یا چرم بر سر دارند. تعدادی از کلاه‌ها به نقاشی‌های قرن‌های ۱۴ و ۱۵ هجری قمری و دوره‌های ایلخانان مغول، تیموری و ترکمانان شباهت دارد. لباس‌های موجود در این نگاره‌ها نشان‌دهنده ساختارهای آسیای مرکزی است. تعدادی از این پیکره‌ها نیمه‌برهنه بوده و شالی به دور کمرشان پیچیده شده است. بدن‌ها با ماهیچه‌هایی به‌وسیله خطوط منحنی ترسیم شده است. به‌ندرت نیز تصاویری از زنان میانسال و پیکره‌های کودکان تصویر شده است با لباس‌ها و کلاه‌هایی مشابه مردان (تصویر ۳ و ۴). رنگ صورت‌ها اغلب قهوه‌ای تیره و سرخ روشن است. پوشش چادر یکی از پوشش‌های سر بانوان تیموری، پارچه بلندی بود که قد آن تا مچ پا می‌رسید (تصویر ۳) (شیرازی، ۱۳۷۰، ۱۹۶). تصویر ۶، مردهایی را نشان می‌دهد که یا پوست تخت بر شانه‌های آن‌ها آویخته شده و یا پوشش و شلوار خاصی از خز ببر و پلنگ بر تن دارند. شخصی کلاهی بر سر دارد که از خز ببر سفید است. در بعضی متون این مسأله مطرح است که کلاه‌های خز پلنگ (تصویر ۵) و ببر به‌عنوان نمادی برای متمایز کردن صوفی‌ها به‌عنوان طبقه‌ای ممتاز



تصویر ۴. نوع پوشش و لباس‌ها در مردان و زنان، نگاره سه نفر در حال گفت‌وگو، با تن‌های رنگی چون سیاه، درجات قهوه‌ای، کرم، عنابی، خاکستری و حنایی، (بخشی از اثر محمد سیاه‌قلم)، قرن نهم ه. ق، مأخذ: موزه توپقاپی سرای استانبول، مأخذ:

Akg-image.de



تصویر ۳. نوع پوشش و زندگی روزمره زنان، مردان و افراد معمولی جامعه، محمد سیاه‌قلم، هرات نخستین (۸۵۰-۸۰۷ ه. ق)، موزه توپقاپی سرای استانبول، مأخذ:

<https://yandex.ru/images>



تصویر ۶. مردانی با یا پوشش از خز ببر و پلنگ، در آثار محمد سیاه‌قلم، هرات نخستین (۸۵۰-۸۰۷ ه. ق)، مأخذ: <https://yandex.ru/images/>



تصویر ۵. نوع پوشش انسانی در آثار محمد سیاه‌قلم، جزئی از نگاره، هرات نخستین (۸۵۰-۸۰۷ ه. ق)، موزه توپقاپی سرای استانبول، مأخذ: [flickr.com](https://www.flickr.com/)



تصویر ۸. خوشگذرانی دیوها با ساز زهی، آلبوم ۲۱۵۳ موزه توپقاپی سرای استانبول، مأخذ: www.pinterest.com/pin/488640628297495541



تصویر ۷. تکه‌تکه کردن اسب توسط دیوها، موزه توپقاپی سرای استانبول، مأخذ: <https://herfeh-honarmand.com>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

از ایرانیان قدیم مردان دلیر و شجاعان و کدخدایان را دیو می‌خواندند (لغتنامه دهخدا). سپهدار کاکوی برزد غریو/ به میدان در آمد به‌مانند دیو» (شامبیانی، ۱۳۷۵، ۱). «موجودات اهریمنی در مفهوم زندگی آثار سیاه‌قلم جایگاه مرکزی دارد و این امر کاملاً مشابه جایگاه موجودات عجیب و غریب در هنر گوتیک است ولی در مورد موجودات خیالی در دنیای آثار سیاه‌قلم، حقیقتی انکارناپذیر حاکی از آن است که این موجودات به‌هیچ‌وجه به دنیای افسانه‌های مسیحیت تعلق ندارند. آنان اسب‌ها را می‌ربایند و قربانی می‌کنند و از سر نشئه و جذبه، حرکات موزون و رقص‌های دیوانه‌وار اجرا می‌کنند و در مراسم و آئین‌های مذهبی حضور دارند. تمامی این اعمال به‌گونه‌ای به آئین کفر و بت‌پرستی اشاره دارد و با عقاید جادوگران و کاهنان دوران اولیه تمدن بشر قرابتی نزدیک دارد» (Goodman، ۱۹۸۷، ۷۰-۶۹). تصویر این موجودات در طول تاریخ نگارگری ایران، به‌شکل نیروهای شر و کابوس‌های شیطانی وجود داشته به‌طوری‌که

صوفی‌ها در نظر گرفته شود، ممکن است به تشخیص هویت پیکره‌ها در نقاشی‌های سیاه‌قلم نیز کمک کند. بعضی از آن‌ها پوستین ببر و پلنگ به تن دارند. به‌جای شلوار، شلیقه پوشیده‌اند. این گروه که شاخه‌های فرهنگی متنوعی را در بر می‌گیرد بر آیین بودایی تانتریک و شمنی و نیز اسلامی اشاره دارند (یوسفی، ۱۳۸۳، ۳۸۶). فضل‌الله استرآبادی مؤسس فرقه حروفیه در دوره تیموریان به طاقیه‌دوزی اشتغال داشت (آژند، ۱۳۶۹، ۹).

۲- دیوها

علامه دهخدا واژه دیو را چنین معنا می‌کند: دیو: نوعی از شیاطین (برهان). شیطان و ابلیس (ناظم‌الاطباء). شیطان (ترجمان‌القرآن). اهرمن (فرهنگ اسدی توسی). اهرمن (دهخدا، ۱۳۷۳، ۵۸۷). نظر به تصور مهیب و هولناک بودن دیوان، هر چیز را که از افراد خود قوی‌جته‌تر و بزرگ‌تر باشد به دیو اضافه می‌کنند (معین، ۱۳۸۵، ۷۰۶). «دیو: بعضی

نشانه‌شناسی لباس‌ها در نگاره‌های
 محمد سیاه‌قلم مبتنی بر آراء رولان
 بارت / ۶۹-۸۵
 زینب کریمی‌بابا احمدی-خشایار
 قاضی‌زاده



تصویر ۹. بخشی از نگاره، نمایش غم و شادی درهم و نمایش لباس‌ها فارغ از جنبه تجملاتی در دیوهای دربند در حال حمل کجاوه، کنار نمونه ترکیب‌بندی چینی، محمد سیاه قلم، مرقع شماره ۲۱۵۳، قرن ۱۴ میلادی، موزه توپقاپی سرای استانبول، مأخذ: Pinterest.com



تصویر ۱۰. اردوی بدوی، محمد سیاه‌قلم، قرن نهم ه. ق، مأخذ: anatomylesson.Wordpress.com

م تفاوت با اعضای دیگر ترسیم شده و کف و روی پا هم‌زمان نمایش داده می‌شود. در قسمت‌هایی از بدن دیوها پوششی از مو دیده می‌شود و همچنین دارای ریش‌های بلندی در چهره هستند. بدن دیوها (از کمر تا سر زانو‌ها) با پارچه‌ای چین‌دار و متناسب با خطوط ماهیچه‌های بدن پوشیده شده است (تصویر ۶).
 شخص خود فضایی دلالتی متأثر از رمزگان‌های اجتماعی از جمله سن، باورهای سیاسی، میزان تحصیلات، طبقه اجتماعی، جنسیت و باورهای دینی است. می‌توان گفت شخص هم‌چون یک رسانه (ابزار) بسیار پویاست که خود پیوسته حامل لایه‌های متنی بوده؛ لایه‌هایی مانند پوشاک،

انسان‌ها مدام از آن‌ها دوری می‌جستند. چنان‌که مطابق روایات «دیوان موجودات زشت‌رو، شاخ‌دار و حيله‌گری هستند که از خوردن گوشت آدمیان روی‌گردان نیستند، اغلب سنگدل و ستمکارند، از نیروهای اهریمنی برای تغییر شکل ظاهری خود برخوردارند، در انواع افسونگری چیره‌دست‌اند، در داستان‌ها به‌صورت دلخواه درمی‌آیند و حوادثی را ایجاد می‌کنند» توصیف شده‌اند (یاحقی، ۱۳۸۶، ۲۰۲). رفتار و البته پیکره دیوهای طراحی‌شده به‌وسیله سیاه‌قلم، شبیه به انسان است و درست مانند انسان‌ها روی دو پای خود می‌ایستند و پنجه‌های آن‌ها به پنجه‌های گرگ شبیه است (تصویر ۷ و ۸). کف پا‌های دیوها با زاویه‌ای



جدول ۲. دسته‌بندی آثار استاد محمد سیاه‌قلم، مأخذ: نگارندگان.

ردیف	انواع	ویژگی‌های کلی نگاره	انواع ویژگی‌های لباس‌ها	رنگ
۱	تصاویر زندگی روزمره	تصاویر جانوران به همراه انسان‌ها (الاغ، سگ، اسب، یوزپلنگ) / مردانی بالغ و معمولاً سالمند / ریش‌های بلند / پیکره‌ها نیمه‌برهنه / عضلات و ماهیچه‌هایی با خطوط منحنی / سرهای تراشیده شده / پوست بدن آن‌ها گاهی سفید و روشن و گاهی نیز تیره‌رنگ / صورت‌های گرد، بینی‌های کوتاه و گوش‌تی، ابروهای ضخیم، دهان‌های بزرگ و پوست آفتاب‌سوخته، متفاوت با چهره‌ی مغولان / چشمان آبی و موهای سرخ‌فام / چشمان سیاه (فراوانی بیش‌تر) / زنان در سنین میانسالی / کودکان / نمایش کف و روی پا	لباس‌های بلند و گشاد، کفش / کلاه‌هایی با اشکال و جنس‌های متفاوت مانند نمد، خز و یا چرم / شال به دور کمر / کودکان با لباس‌های بلندی بر تن و کلاه‌هایی بر سر	مشکی برای خطوط دورگیری / سایه‌روشن برای رنگ‌آمیزی بدن انسان‌ها / قرمز برای پارچه‌ها و همراه با سایه‌روشن برای بدن برخی از پیکره‌ها / آبی (بیش‌تر برای رنگ‌آمیزی آبی پارچه‌ها و لباس‌ها)
۲	دیوها	پیکره‌ای شبیه به پیکره‌ی انسان / پنجه‌های کشیده‌ی شبیه به پنجه‌های کرگ	استفاده از عصا / دندان‌های تیز و برنده شبیه به دندان‌های جانوران وحشی / شاخ‌ها و دم (شاخ‌ها و دم با اشکال مختلف، انتهای دم آن‌ها اژدهایی خشمگین) / بدن نیمه‌برهنه با عضلات و ماهیچه‌های پیچیده و محکم / پوشش مو و ریش‌های بلند / از کمر تا سر زانوها پوشیده با پارچه‌ای چین‌دار و متناسب با خطوط ماهیچه‌ها / دارای شاخ (شاخ‌های بزی‌شکل، شاخ گاو نر)	قهوه‌ای تیره، قهوه‌ای روشن و خاکستری متمایل به سبز برای پیکره‌ی دیوها / آبی (تیره و روشن) برای پارچه‌ها و گاهی برای رنگ‌آمیزی بدن حیوانات / قرمز تیره و نارنجی برای سازها و ابزارها / تکنیک ساده‌ای برای ایجاد سایه (خطوط دورگیری مشکی و خطوط به‌جای‌مانده از طراحی) / زمینه‌ی بسیاری از این آثار، نخودی روشن
۳	سایر آثار	دیوها، انسان‌ها و فرشتگانی با صورت‌های گرد و چشمان بادامی / تخت‌های مجل با پایه‌های فلزی / تزئینات فراوان / صندوقچه‌های رنگین / حالت روایتگری تصاویر		و فور رنگ‌های قرمز، آبی، سبز، قهوه‌ای تیره و روشن و طلایی / خطوط دورگیری مشکی قابل ردّیت

مشاهده است.

رنگ‌ها مانند بسیاری از عناصر زندگی واقعی، شمایی و بر دلالت مستقیم قرار داشته و با گذر زمان به نشانه‌هایی نمادین و نشانه‌ای تبدیل می‌شوند. رنگ در فرهنگ‌های متفاوت، معنای خاص و البته متضاد دارند (قاسمیان دستجردی و علی‌محمدی اردکانی، ۱۳۹۸، ۷۷).

۳- سایر آثار

در این دسته از آثار محمد سیاه‌قلم، علاوه بر دیوها، انسان‌ها و فرشتگانی ترسیم شده‌اند که دارای صورت‌های گرد و چشمان بادامی بوده و نظیر آن‌ها در آثار هنرمندان دوره تیموری دیده شده است. تخت‌های تجملاتی با پایه‌هایی از فلزات طلایی‌رنگ، صندوقچه‌های تزئین شده و

سر و صورت، لایه ژست، حالات ادا و اطوار و بیان چهره‌ها، آرایش، متعلقات فردی مانند عینک، کیف دستی، زیورآلات؛ انگشتر، گوشواره، النگو (بنی‌اسدی و سجودی، ۱۳۹۴، ۳۲). رمزگان‌های اجتماعی و زیررمزگان‌های شکل‌گرفته در آن‌ها بر کارکردهای دلالتی این لایه‌ها نظارت داشته پس بنابراین شخص لایه حامل لایه‌هاست (سجودی، ۱۳۹۳، ۲۷). اغلب مردم رنگ‌ها را نیز با دیوان و شیاطین مرتبط می‌دانند؛ به‌طور مثال سرخ نزد مصریان، رنگ شیاطانی و اهریمن است؛ زیرا خدای شر در روایات آنان دارای چشم‌ها و موی سرخ است (ژ. ویو، ۱۳۷۵، ۳۳). رنگ‌ها (در این‌جا رنگ در لباس‌ها) همان‌طور که در زندگی عادی در جریان هستند، می‌توانند به‌عنوان نمادی از خوشبختی، شادی و غم مردم یک سرزمین به‌شمار بیایند که در تصویر ۹ قابل



تصویر ۱۱. دزدیدن اسب توسط دیوها، برگه از یک مرقع، ترکیبی از طلا، آب‌مرکب مات روی کاغذ زیر و خشن، با خطوط نستعلیق و شکسته و خط کوفی، محمد سیاه‌قلم، سده ۵۱ میلادی، احتمالاً تبریز، مأخذ: flickr.com

و کشاورزان که ظاهری با پوشش درویش دارند؛ اینان پوست تخت بر شانه‌هایشان دارند و شلواری که مورد استفاده آن‌هاست از خز پلنگ یا ببر است، به‌عنوان نماد تمایز قشر صوفی به‌منزله طبقه‌ای ممتاز، پوشش کشیشان مسیحی با لباس و کلاهایی شبیه به افراد مقدس دین مسیحیت، قلندرانی که از طریق ویژگی‌های ظاهری یعنی تراشیدن موهای بدن و صورت و نوع پوشش و البسه قابل تشخیص‌اند، از این دست هستند. نوع پوشش شخصیت‌ها در قضاوت پیرامون هویت پیکره‌ها کمک شایانی می‌کند. در جدول ۳ نمونه‌های تصویری آورده شده است. در رابطه با آثار محمد سیاه‌قلم از لحاظ بیان وجوه افتراق و اشتراک لباس‌ها می‌توان گفت دیوها میزان پوشاندگی کم‌تری دارند نسبت به سایر شخصیت‌های خلق‌شده توسط محمد سیاه‌قلم. لباس اغلب دیوها به یک شلیته محدود شده است برخلاف افراد معمولی جامعه که کلاه، بالاپوش، قبا، کمربند، شلوار و کلاه از جمله لباس‌های مورد استفاده آن‌هاست. در نگاره‌های کودکان تمام موارد

حالت روایتگری در تمام این آثار نمایش داده شده است (تصویر ۹). سایر تصاویر نقاشی‌هایی از حیوانات است. خصوصیات تصویری زیادی برای آثار محمد سیاه‌قلم که معرف سبک خاص آثار وی باشد، می‌توان برشمرد که او را متفاوت از هنرمندان هم‌عصر خود نشان دهد (تصاویر ۱۰ و ۱۱). در جدول ۲ دسته‌بندی آثار محمد سیاه‌قلم آمده است.

تحلیل یافته‌ها

رولان بارت درمورد پوشاک و دلالت‌های معنایی آن به کنکاش پرداخته است. بارت بر این عقیده است که دلالت معنایی عناصر در گستره بی‌پایان زندگی انسان امروزی است. او درمورد «عناصر نشانه‌شناسی» اظهار می‌کند: نشانه مانند مدل خود از یک دال و یک مدلول تشکیل شده و اجتماع با اهداف دلالتی، آن‌ها را از مسیر اصلی جوهرشان به جهتی دیگر منحرف کرده و به آن‌ها کارکردی معنایی داده است. برای مثال، پوشاک برای پوشاندن بدن است و غذا برای تغذیه درحالی‌که این دو مثال به کار دلالت نیز می‌آیند. می‌توان این نشانه‌ها را «نشانه کارکردی (کارکرد - نشانه)» نامید؛ زیرا کارکردی هستند و به سبب نیاز به استفاده پدید آمده‌اند. کار عمده بارت در زمینه نشانه‌شناسی، بر مبنای همین نشانه‌های کارکردی صورت گرفته است؛ آن‌چه در نگاره‌های محمد سیاه‌قلم بیش از همه چیز جلب توجه می‌کند، دقت در تفکیک اقشار با نشانه‌هایی از جمله لباس است و البته پای‌بندی به دقت در ترسیم و دقت در جزئیات خلق آثارش در دوره‌های کاری خویش است. ویژگی‌های سبکی موجود در لباس‌ها و موضوعاتی که در نگاره‌های سیاه‌قلم تصویر شده‌اند، محققان بسیاری را قانع کرده است که شخصیت‌های موجود در دیونگاری‌ها، محصول منطقه‌ای هستند که در آن‌جا فرهنگ اسلامی و غیراسلامی با هم و در کنار هم در جریان بوده است. همچنین به دلیل ویژگی‌های شاخص متأثر از سبک چینی‌مآب در تعدادی از این تصاویر، منطقه جغرافیایی خلق این آثار را مغولستان می‌دانند که محل تلاقی فرهنگ اسلامی با چین است. عوامل تأثیرگذار برای نسبت دادن دیونگاری‌های سیاه‌قلم به آسیای میانه و مرکزی، تصویر کردن دیوها و انسان‌هایی با پوشش، فضا و محیطی غیراسلامی است و همچنین بازنمود جمعیتی از انسان‌ها و دیوها با ویژگی‌های ظاهری و اعمال شمنی. چنین صحنه‌هایی اغلب شامل پیکره‌هایی با پوشش مربوط به طبقه ثروتمند است. با توجه به نظرات رولان بارت، می‌توان گفت: «در سایه اشکال، می‌توانیم بسیاری از معانی دستکاری‌شده را پنهان کنیم؛ یعنی شکل ظاهری پدیده را از معنای اصلی آن تهی کرده و معنای مورد نظر و مقصود خود را جایگزین کنیم. این نمادها، بسان کلیت‌های بریده از زمان و مکان عرضه می‌شوند» (شرف‌الدین، شفق، ۱۴۰۰، ۲۳). تصویر نمودن پیشه‌وران

جدول ۳. تصاویر زندگی روزمره نگاره‌های محمد سیاه‌قلم از لحاظ پوشش، مأخذ: نگارندگان.

ردیف	دسته‌بندی افراد جامعه با توجه به نوع پوشش	نوع پوشش	نوع پوشش و ویژگی‌های ظاهری	معنای نمادین	نمونه تصویری
۱	انسان (درباری یا سرباز)	پوشش کامل	پوشیدگی کامل / استفاده از کلاه‌پوست در طبقه مرفه و سلطنتی / نمایش جزئیات لباس‌ها / استفاده از کفش در تعیین طبقات اجتماعی	ایجاد تفاوت و دقت در جزئیات در لباس‌ها افراد با طبقه اجتماعی بالا	 نوع پوشش انسانی در آثار محمد سیاه‌قلم، نگارگری، هرات نخستین (۸۵۰-۸۰۷ ه. ق.)، موزه توپقاپی‌سرای استانبول، مأخذ: flickr.com
۲	انسان (طبقه متوسط جامعه، افراد غیردرباری)	الف. نیمه‌برهنه (زنان با پوشش کامل)	پوشش کامل / نیمه‌برهنه: به صورت هم‌زمان در کارهای روزمره / افراد معمولی جامعه / نمایش افراد معمولی جامعه در حال کارهای روزمره	نمایش افراد معمولی جامعه در حال کارهای روزمره	 سه نفر در حال گفت‌وگو، رنگ‌گذاری اندام دیوها از رنگ‌هایی چون سیاه، درجات قهوه‌ای، کرم، عنابی، خاکستری و حنایی، (بخشی از اثر محمد سیاه‌قلم)، قرن نهم ه. ق، موزه توپقاپی‌سرای استانبول، مأخذ: Akg-image. de
		ب. مردان، زنان و کودکان با پوشش کامل	پوشش کامل: به صورت هم‌زمان در کارهای روزمره / افراد معمولی جامعه / نمایش افراد معمولی جامعه در حال کارهای روزمره	افراد طبقه متوسط	 افراد طبقه متوسط در نگاره‌های محمد سیاه‌قلم، هرات نخستین (۸۵۰-۸۰۷ ه. ق.)، موزه توپقاپی‌سرای استانبول، مأخذ: https://herfeh-honarmand.com
		پ. پوشش کامل (مردان: کلاه، زنان: روسری)	افراد معمولی جامعه / عدم نمایش جزئیات و نقوش تزئینی لباس‌ها / استفاده از عصا، کفش و کلاه / پوشیدگی کامل	تعیین طبقه اجتماعی با نوع کلاه، پوشش و عصا / عدم نمایش تجملات با جزئیات لباس‌ها	 کارهای روزمره انسان‌ها، جهت نمایش نمونه‌ای انسانی دارای اندام‌های درشت، دست و پاهای قوی و اغراق‌شده (بخشی از اثر محمد سیاه‌قلم)، قرن نهم ه. ق، موزه توپقاپی‌سرای استانبول، مأخذ: https://yandex. ru/images/search
		د. پوشش درویش (پوشش کامل)	درویشی با لباس‌های بلند و آستین‌های بلند که روی دستان‌شان را می‌پوشاند / عدم نمایش جزئیات و نقوش تزئینی لباس‌ها به استثنای جزئیات کلاه‌ها / استفاده از عصا، کفش و کلاه / پوشیدگی کامل / رنگ صورت اشخاص غالباً قهوه‌ای تیره و سرخ روشن	تعیین طبقه اجتماعی با نوع کلاه، پوشش و عصا / عدم نمایش تجملات با جزئیات لباس‌ها	 درویش، نمونه سبک چینی، محمد سیاه‌قلم، نگارگری، هرات نخستین ۸۵۰-۸۰۷ ه. ق، موزه توپقاپی‌سرای استانبول، مأخذ: Pinterest. com
		ه. پوشش کامل (افراد مذهبی)	ردای بلند تا مچ پا / استفاده از عصا و عدم استفاده از کفش و کلاه / پوشیدگی کامل / عدم نمایش جزئیات و نقوش تزئینی لباس‌ها	تعیین طبقه اجتماعی و مذهب (مسیحی) با نوع پوشش و عصا / عدم نمایش تجملات با جزئیات لباس‌ها و تأکید بر کلیات	 بخشی از نگاره، گفت‌وگوی دوستانه دو کشیش، محمد سیاه‌قلم، موزه توپقاپی‌سرای استانبول، مأخذ: https://yandex.ru/images/search?pos

جدول ۴. تصاویر دیوها در نگاره‌های محمد سیاه‌قلم از لحاظ پوشش، مأخذ: نگارندگان.

ردیف	نوع پوشش دیوها	ویژگی‌های ظاهری	معنای نمادین	نمونه تصویری
۱	نیمه‌برهنه	حداقل استفاده از لباس‌ها (فقط شلیته)	عدم ایجاد طبقه اجتماعی در دیوها با لباس‌ها / عدم تأکید بر تنوع پوششی دیوها	 دو دیو، محمد سیاه‌قلم، جزئی از تصویر یک دیو، آب‌مربک، مرقع شماره ۲۱۵۳، موزه توپقاپی‌سرای استانبول، مأخذ: https://herfeh-honarmand.com
۲	نیمه‌برهنه	حداقل استفاده از لباس‌ها (فقط شلیته)	عدم ایجاد طبقه اجتماعی در دیوها با لباس‌ها / عدم تأکید بر تنوع پوششی دیوها	 اره کردن درخت توسط دو دیو، نوع پوشش حداقلی لباس در نگاره‌های محمد سیاه‌قلم، موزه توپقاپی‌سرای استانبول، مأخذ: https://yandex.ru/images
۳	نیمه‌برهنه	نیمه‌برهنه / حداقل استفاده از لباس‌ها (فقط شلیته) / ساز، جام، ساز، پایند و زنجیر و سایر اشیاء به رنگ طلایی	عدم ایجاد طبقه اجتماعی در دیوها با لباس‌ها / عدم تأکید بر تنوع پوششی دیوها	 خوشگذرانی دیوها با ساز زهی، آلبوم ۲۱۵۳ موزه توپقاپی‌سرای استانبول، مأخذ: www.pinterest.com/pin/488640628297495541

جدول ۵. تصاویر سایر موارد نگاره‌های محمد سیاه‌قلم از لحاظ پوشش، مأخذ: نگارندگان

ردیف	نگاره	نوع پوشش	ویژگی‌های ظاهری	معنای نمادین	نمونه تصویری
۱	انسانی / حیوانی	انسانی / حیوانی / نیمه‌برهنه / پوشیدگی کامل	تفاوت اجتماعی افراد با لباس‌ها / ایجاد تمایزات با کلاه و بالاپوش / نیمه‌برهنگی و پوشیدگی کامل در یک قاب	روابط معمولی اقشار مختلف در جامعه / عدم تفاوت چشم‌گیر در لباس‌ها بین طبقات مرفه و سایر اقشار	 اردوی بدوی، محمد سیاه‌قلم، قرن نهم ه.ق، مأخذ: anatomylesson.Wordpress.com
۲	انسان / حیوان	نیمه‌برهنه	ترسیم لباس‌های طبقه متوسط جامعه (برده‌ها)	پوشش بیش‌تر تمام طبقات انسانی نسبت به دیوها	 ترسیم لباس‌های طبقه متوسط جامعه (برده‌ها)، محمد سیاه‌قلم، قرن نهم ه.ق، موزه توپقاپی سرای استانبول، مأخذ: https://yandex.ru/images
۳	دیو / انسان / حیوان	نیمه‌برهنه / پوشیدگی کامل	در شخصیت‌های انسانی / مشخص کردن طبقه اجتماعی انسانی با نوع کلاه و پوشش	تأکید بر نوع پوشش در شخصیت انسانی	 دزدیدن اسب توسط دیوها، برگری از یک مرقع، ترکیبی از طلا، آب‌مرکب مات روی کاغذ زبر و خشن، با خطوط نستعلیق و شکسته و خط کوفی، محمد سیاه‌قلم، سده ۱۵ میلادی، احتمالاً تبریز، مأخذ: https://herfeh-honarmand.com

براساس تصمیمات تعداد معدودی مشاور شکل گرفته و براساس هم‌ارزی‌ها و آمیزش‌ها، مناسبات اختیاری را مانند مناسبات اجباری و طبیعی و همچنین به‌عنوان نوعی قانون اجباری به نمایش می‌گذارد. زبان مُد لباس از تودهٔ سخنگو ناشی نمی‌شود بلکه توسط گروهی صادر می‌شود که تصمیم‌های اساسی می‌گیرند و به‌دقت رمز را شکل می‌دهند و می‌سازند. شیوهٔ پوشش از سنت‌ها اخذ می‌شود؛ لباس‌ها به‌گونه‌ای که پوشیده می‌شوند، زبان را در نظام پوشش تشکیل می‌دهند. گفتار در نظام پوشش شامل کلیهٔ پدیده‌های مربوط به ساخت فردی پوشش و یا ساخت بی‌قاعده است (مونس سرخه، ۱۳۸۸، ۴۴). در جدول ۵ و ۴ ویژگی‌های نمونه‌هایی از این تصاویر آورده شده است.

فوق ترسیم شده به‌جز کفش. بارت معتقد است که فرهنگ، موضوعات و ارزش‌های مصنوعی، ساختگی و ایدئولوژی خود را به‌گونه‌ای عرضه می‌کند که گویی بی‌چون‌وچرا، تشکیک‌ناپذیر و طبیعی‌اند. وی به نشانه‌های مرتبهٔ دوم نیز معتقد است که در نظام لباس هم این امر صادق دارد. او نظام پوشاک را از مجموعه‌ای از ساختارها گذر می‌دهد تا این‌که نهایتاً آن‌ها را به‌همراه معنایی نشانه‌ای در اختیار عموم می‌گذارد؛ عباراتی که در مُد‌ها مورد استفاده‌اند از یک ضابطه تبعیت می‌کنند که هر جزء آن می‌تواند تغییر کند و جایگزین شود. لباس‌ها در هر سال و سال‌های متعددی همان‌ها هستند که از قبل بوده، اما عوامل متغیر آن‌ها، به نظام مُد اجازه می‌دهد تا پیام‌های خود را با عناصری ساده بازآفرینی کند. نظام مُد، نظامی است که

نتیجه

در پاسخ به سؤال اول بایستی عنوان کرد که نشانه‌شناسی دانشی مبتنی بر بررسی پدیدارهای فرهنگی است که به نظام‌های نشانه‌شناسانه تعلق دارند. نشانه‌شناسی همچنین به بررسی و پیگیری همهٔ شیوه‌های رفتاری انسان که به جریان ارتباطات مربوط می‌شوند، می‌پردازد؛ نگاره‌های به‌جای‌مانده از محمدسیاه‌قلم، میراث دورهٔ زندگی وی از نیمهٔ دوم قرن نهم تا حدود دههٔ اول قرن دهم است. او دیوها و انسان‌ها را با حساسیت و درک اجتماعی متفاوت خود -از دوره‌ای که در آن می‌زیست- نشان می‌دهد. با عنایت به بررسی‌های انجام‌شده در این مقاله، روشن گردید که پوشش دارای بار اجتماعی معنادار بوده و فقط برای جنبهٔ زیبایی صرف، پوشاندن و محافظت از بدن مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. توجه به سبک‌وسایق پوشش به‌عنوان امر نمادین و پیگیری و بررسی نمادها باعث می‌شود که به زاویهٔ جدیدی از لباس‌ها و انواع آن دست پیدا کنیم. معنای هر نوع پوشش و لباس، از میان نسبتی که با مقوله‌هایی مانند زنانه، مردانه، طبقه و جایگاه اجتماعی، منزلت، نقش‌های اجتماعی، ارزش و ضد ارزش و ساختارهای اجتماعی برقرار می‌سازد، درک می‌شود. این نسبت‌ها قراردادی بوده و از جایی شروع شده‌اند و البته امکان تغییر نوع پوشش وجود دارد، مگر آن‌که ساختارهای حاکم، بر نحوهٔ خاصی از پوشش تأکید داشته باشند، از این حیث، رابطهٔ قراردادی پیش‌گفته به‌سختی تغییر می‌کند، مگر آن‌که اساساً به کنار نهاده شود. لباس به‌عنوان یک نظام نشانه‌شناسی مطرح است که معناها و مفاهیم نهفته در آن به‌طور مداوم تغییر می‌کند و این تغییرات وابسته به زمان، مکان و فرهنگ است؛ لباس‌های مورد استفاده در نگاره‌های محمد سیاه‌قلم نشانه‌های مرتبط با پوشش و سبک‌وسایق مربوط به طبقهٔ اجتماعی معمول در دورهٔ تاریخی خود را به نمایش می‌گذارند. این نشانه‌ها در نوع، رنگ، اندازهٔ لباس و سایر شاخصه‌های پوشش قابل پیگیری هستند. به‌علت متفاوت بودن طبقات و با در نظر گرفتن نحوهٔ پوشش افراد و شخصیت‌های نگاره‌ها در کنار یکدیگر، روابط گروه‌های مختلف را می‌توان متمایز ساخت. درمورد نگاره‌های سیاه‌قلم وقتی سخن از نظام ارزشی آورده می‌شود، صرفاً نباید اشکال پیچیدهٔ اخلاقی را در نظر آورد بلکه اموری نظیر زیبابودگی هم می‌تواند به‌مثابهٔ یک ارزش عمل کند. با این حال، همیشه ملاحظات در ارتباط با موقعیت اجتماعی فرد وجود دارد (نظیر سن، جنس، منزلت اجتماعی، وابستگی به طبقهٔ خاصی از فرهنگ و اجتماع و مذهب) که در انتخاب و پوشیدن یک لباس



مؤثر واقع می‌گردد. عوامل ساختاری نیز بر وجه نمادین و بار معنایی لباس اثر می‌گذارند. لباس‌ها نه صرفاً به‌خاطر وضعیت زیبایی‌شناختی‌شان یا فواید کارکردی آن‌ها، بلکه با نمادهایی که همراه‌شان است، سنجیده می‌شوند. نقطه اشتراک پوشش در نگاره‌های محمد سیاه‌قلم (دراویش، افراد معمولی و دیوها) توجه به جنبه‌های معنایی نهفته در شخصیت‌هاست که با استفاده از پوشش متفاوت و عدم یک‌دستی آن‌ها به نمایش گذاشته می‌شود. جدا از جنبه اشتراک در نوع پوشش و لباس‌ها که همان جنبه نمادین آن‌هاست می‌توان به وجوه افتراق نیز اشاره کرد؛ عدم استفاده دیوها از لباس‌هایی با پوشش کامل نسبت به شمایل‌های انسانی با هر قشر و طبقه‌ای، استفاده شخصیت‌های انسانی از کلاه، بالاپوش و کفش متناسب با طبقه اجتماعی خود و عدم استفاده موارد مذکور در دیوها. لازم به توضیح است که تأکید بر اهمیت نمادها در لباس‌ها، به معنی غفلت از معنای آن نیست؛ چه‌بسا که اهمیت دادن به نشانه‌ها، در پرتو اهمیت دادن به محتوا بوده و مرهون واقعیت معناست.

منابع و مآخذ

- آژند، یعقوب. (۱۳۶۹). حروفیه در تاریخ. تهران. نی.
- احسانی، محمدتقی. (۱۳۶۸). هفت هزار سال هنر فلزکاری در ایران. چاپ اول. تهران. انتشارات علمی و فرهنگی.
- بارت، رولان. (۱۳۷۰). عناصر نشانه‌شناسی. ترجمه مجید محمدی. تهران. الهدی.
- بنی‌اسدی، نسیم و سجودی، فرزانه. (۱۳۹۴). نشانه‌شناسی مکان در تئاتر معاصر ایران با تأکید بر اجرای سیندرلا، نامه هنرهای نمایشی و موسیقی، دوره ۶، شماره ۱۱.
- چندلر، دانیل. (۱۳۸۷). مبانی نشانه‌شناسی. ترجمه مهدی پارسا. چاپ سوم. تهران. سوره مهر.
- دوبوکور، مونیک. (۱۳۷۳). رمزهای زنده جان. ترجمه جلال ستاری. تهران. مرکز.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). فرهنگ دهخدا. جلد ۲۹. تهران. مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ژ. ویو. (۱۳۷۵). اساطیر مصر. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور. تهران. فکر روز.
- سجودی، فرزانه. (۱۳۹۳). بررسی بازنمایی پوشاک زنان در مجموعه تلویزیونی سیما (رویکرد نشانه‌شناسی گفتمانی). تهران. مرکز تحقیقات صدا و سیما.
- شامبیانی، داریوش. (۱۳۷۵). فرهنگ لغات و ترکیبات شاهنامه. تهران. آران.
- شرف‌الدین، سیدحسین، شفق، غلامرضا. (۱۴۰۰). رویکردی تحلیلی به اسطوره‌شناسی رولان بارت. معرفت فرهنگی اجتماعی. سال دوازدهم. شماره سوم پیاپی ۴۷. صفحه ۷ تا ۲۶.
- شوالیه، ژان و آلن گربران. (۱۳۸۲). فرهنگ نمادها. ترجمه سودابه فضائی. تهران. جیحون.
- شیرازی، فائقه. (۱۳۷۰). پوشاک زنانه در دوران تیموریان. مجله کلک. شماره ۲۳-۲۴.
- ضیاءپور، جلیل. (۱۳۴۷). پوشاک زنان ایران، از کهن‌ترین زمان تا آغاز شاهنشاهی پهلوی. تهران. وزارت فرهنگ و هنر.
- ضیاءپور، جلیل. (۱۳۴۷). پوشاک ایرانیان از چهارده قرن پیش تا آغاز دوره شاهنشاهی پهلوی تهران. وزارت فرهنگ و هنر.
- علام، نعمت اسماعیل. (۱۳۸۶). هنرهای خاورمیانه در دوران اسلامی. ترجمه عباسعلی تفضلی. چاپ دوم. انتشارات آستان قدس رضوی.
- قاسمیان دستجردی، پروانه؛ علی‌محمدی اردکانی، جواد. (۱۳۹۸). نقش رنگ سیاه و سفید در طراحی لباس فیلم مبتنی بر نشانه‌شناسی رولان بارت (مطالعه موردی: دو فیلم سینمایی آناکارنینا و بانوی زیبای من). هنرهای زیبا. هنرهای نمایشی و موسیقی. دوره بیست و چهارم. شماره ۳. صفحات ۷۳ تا ۸۰.

قپانداران، وجیهه. (۱۳۹۱). تاریخ پوشاک ایرانیان (از باستان تا عصر حاضر). قم: مهر بیکران.

قلی‌زاده، محمدرضا، شهوند، علی (۱۳۹۴). تحلیلی از جایگاه مطالعات تاریخی و تاریخ‌نگاری در دائرةالمعارف‌ها و عجایب‌نامه‌ها. تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری. شماره ۱۵ (پیاپی ۱۰۰).

عباس‌پور، ابراهیم. (۱۳۹۰). درآمدی بر نشانه‌شناسی. دو فصلنامه علمی-تخصصی اسلام و علوم اجتماع. سال سوم. شماره ۶.

متین، پیمان. (۱۳۸۳). پوشاک ایرانیان. تهران. دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
 مونسى سرخه، مریم. (۱۳۹۴). نمادها در پوشاک، ماهنامه ایرانا. سال پنجم. شماره ۲۸.
 یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۶۹). فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، انتشارات وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی. تهران. سروش.
 یوسف‌پور، سوگل، فیاض‌انوش، ابوالحسن. (۱۳۹۵). بررسی تاریخی پوشش سر در عصر تیموریان ۹۱۱-۷۷۱ ه. ق. تاریخ‌نامه خوارزمی، دانشگاه خوارزمی، فصلنامه علمی-تخصصی، سال چهارم.
 یگانه، محمدرضا جوادى، کشفی، سیدعلی. (۱۳۸۶). نظام نشانه‌ها در پوشش. مطالعات راهبردی زنان. شماره ۳۸.

Chandler, D (2001). *Semiotics (The Basic)* USA & Canada.

Barthes, Roland. (1967b). *Elements of semiotics*, translated by Annette Lavers and Colin Smith, Jonathan Cape, London.

Dzi, R P. Ah. (2012). Muslim clothing culture. (Translated by Heravi, H.). Second edition. Tehran: Tehran University. [in Persian].

Goodman, Nelson (1978). *Ways of Worldmaking*. Hackett Publishing Company. P. 94.

Keir, Elam. (2001), *the Semiotics of Theatre and Drama*, Routledge London and New York.

سایت پینترست، ذیل عنوان mohhamad siah ghalam، بازیابی شده در تاریخ ۱۷ فروردین ۱۴۰۱:
www.pinterest.com/pin/۴۸۸۶۴۰۶۲۸۲۹۷۴۹۵۵۴۱/

سایت یاندکس، ذیل عنوان mohamad siah ghalam، بازیابی شده در تاریخ ۲۱ خرداد ۱۴۰۱:
https://yandex.ru/images/search?pos=۹&text=mohamad/۲.siah/۲.ghalam&img_url=http/۳A/۲F/۲Firanicaonline.org/۲Fuploads/۲Ffiles/۲Fsiahqalam/۲Fsiahqalam_fig_۴.jpg&source=serp&rpt=simage&lr=۱۱۴۹۵&rlt_url=https/۳A/۲F/۲Fipinimg.com/۲F۳۶x/۲F۱۹/۲F۸۸/۲F۶۱/۲F۱۹۸۸e۱۱۶b۱c۹۴۵۸d۵df۱db۴۰۵۰۷a۹۵۰---catalogue-mythology.jpg&ogl_url=http/۳A/۲F/۲Firanicaonline.org/۲Fuploads/۲Ffiles/۲Fsiahqalam/۲Fsiahqalam_fig_۴.jpg

سایت یاندکس، ذیل عنوان mohamad siah ghalam، بازیابی شده در تاریخ ۲۱ خرداد ۱۴۰۱:
https://yandex.ru/images/search?pos=۲&img_url=http://۳A/۲F/۲Firanicaonline.org/۲Fuploads/۲Ffiles/۲Fsiahqalam/۲Fsiahqalam_fig_۴.jpg&text=mohamad/۲.siah/۲.ghalam&lr=۱۱۴۹۵&rpt=simage&source=serp&family=yes&rlt_url=https://۳A/۲F/۲Fpbs.twimg.com/۲Fmedia/۲FExk-Lq.WgAEd٨af/۲Fformat/۳Djpg/۲۶name/۳Dmedium&ogl_url=http://۳A/۲F/۲Firanicaonline.org/۲Fuploads/۲Ffiles/۲Fsiahqalam/۲Fsiahqalam_fig_۴.jpg

سایت یاندکس، ذیل عنوان mohamad siah ghalam، بازیابی شده در تاریخ ۲۱ خرداد ۱۴۰۱:
https://yandex.ru/images/search?pos=۱۲&img_url=http://۲A://۲F://۲fi.pinimg.com/



[۲Foriginals%۲F۹e%۲F۰۹%۲Faa%۲F۹e۰۹aac۷۱e۲۴۱f۴۹۴f۲a۸۶۷۵۳۶۸۰۱۴c۹.jpg&text=mohamad%۲۰siah%۲۰ghalam&lr=۱۱۴۹۵&rpt=simage&source=serp&family=yes&rlt_url=https%۲A%۲F%۲Fupload.wikimedia.org%۲Fwikipedia%۲Fcommons%۲Fd%۲Fd۴%۲FSiyah_Qalem_-_Hazine_۲۱۵۳%۲۵۲C_s.۱۴۰۰a.jpg&ogl_url=http%۲A%۲F%۲Fi.pinimg.com%۲Foriginals%۲F۹e%۲F۰۹%۲Faa%۲F۹e۰۹aac۷۱e۲۴۱f۴۹۴f۲a۸۶۷۵۳۶۸۰۱۴c۹.jpg](https://yandex.ru/images/search?pos=12&img_url=http%3A%2F%2Fwww.davidrehunt.com%2FOriginals%2F0b%2Fb5%2F60%2F0bb560cfa1117487b1506b8bcc6fca28.jpg&text=mohamad%20siah%20ghalam&lr=11495&rpt=simage&source=serp&family=yes&rlt_url=https%3A%2F%2Fpbs.twimg.com%2Fmedia%2FFF66IYWXsAQOQG3.jpg&ogl_url=http%3A%2F%2Fi.pinimg.com%2FOriginals%2F0b%2Fb5%2F60%2F0bb560cfa1117487b1506b8bcc6fca28.jpg&text=mohamad%20siah%20ghalam&lr=11495&rpt=simage&source=serp&family=yes&rlt_url=https%3A%2F%2Fupload.wikimedia.org%2Fwikipedia%2Fcommons%2Fa%2Faa%2FSiyah_Qalem_-_Hazine_2153%252C_s.14.a.jpg&ogl_url=http%3A%2F%2Fi.pinimg.com%2FOriginals%2F0b%2Fb5%2F60%2F0bb560cfa1117487b1506b8bcc6fca28.jpg)

سایت یاندکس، ذیل عنوان mohamad siah ghalam، بازیابی شده در تاریخ ۲۱ خرداد ۱۴۰۱:
[https://yandex.ru/images/search?pos=۱۲&img_url=http%۲A%۲F%۲Fi.pinimg.com%۲Foriginals%۲F۹e%۲F۰۹%۲Faa%۲F۹e۰۹aac۷۱e۲۴۱f۴۹۴f۲a۸۶۷۵۳۶۸۰۱۴c۹.jpg&text=mohamad%۲۰siah%۲۰ghalam&lr=۱۱۴۹۵&rpt=simage&source=serp&family=yes&rlt_url=https%۲A%۲F%۲Fupload.wikimedia.org%۲Fwikipedia%۲Fcommons%۲Fa%۲Faa%۲FSiyah_Qalem_-_Hazine_۲۱۵۳%۲۵۲C_s.۱۵۲a.jpg&ogl_url=http%۲A%۲F%۲Fi.pinimg.com%۲Foriginals%۲F۹e%۲F۰۹%۲Faa%۲F۹e۰۹aac۷۱e۲۴۱f۴۹۴f۲a۸۶۷۵۳۶۸۰۱۴c۹.jpg](https://yandex.ru/images/search?pos=12&img_url=http%3A%2F%2Fi.pinimg.com%2FOriginals%2F0b%2Fb5%2F60%2F0bb560cfa1117487b1506b8bcc6fca28.jpg&text=mohamad%20siah%20ghalam&lr=11495&rpt=simage&source=serp&family=yes&rlt_url=https%3A%2F%2Fupload.wikimedia.org%2Fwikipedia%2Fcommons%2Fa%2Faa%2FSiyah_Qalem_-_Hazine_2153%252C_s.152a.jpg&ogl_url=http%3A%2F%2Fi.pinimg.com%2FOriginals%2F0b%2Fb5%2F60%2F0bb560cfa1117487b1506b8bcc6fca28.jpg)

سایت حرفه هنرمند، فصلنامه هنرهای تجسمی، ذیل عنوان ساتیر در نقاشی‌های محمد سیاه‌قلم، بازیابی شده در تاریخ ۱۷ شهریور ۱۴۰۱:
<https://herfeh-honarmand.com/blog>

ساتیر در-نقاشیهای-محمد-سیاه-قلم/
 سایت davidrehunt، بازیابی شده در تاریخ ۱۲ شهریور ۱۴۰۱:
<http://www.davidrehunt.com/TimuridTurkestanMetalwork.html>

سایت flickr، بازیابی شده در تاریخ ۱۲ شهریور ۱۴۰۱:
<https://flickr.com/>

سایت akg-images، بازیابی شده در تاریخ ۱۲ شهریور ۱۴۰۱:
<http://www.akg-images.com.uk>

سایت artang، بازیابی شده در تاریخ ۲۹ شهریور ۱۴۰۱، ذیل عنوان آثار کمال‌الدین بهزاد نقاش مینیاتورست ایرانی:
<https://artang.ir/behzad-iranian-miniature-painter/>

سایت یاندکس، ذیل عنوان mohamad siah ghalam، بازیابی شده در تاریخ ۱۱ دی ۱۴۰۱:
https://yandex.ru/images/search?pos=9&img_url=http%3A%2F%2Fi.pinimg.com%2FOriginals%2F0b%2Fb5%2F60%2F0bb560cfa1117487b1506b8bcc6fca28.jpg&text=mohamad%20siah%20ghalam&lr=11495&rpt=simage&source=serp&rlt_url=https%3A%2F%2Fpbs.twimg.com%2Fmedia%2FFF66IYWXsAQOQG3.jpg&ogl_url=http%3A%2F%2Fi.pinimg.com%2FOriginals%2F24%2Fd%2Fad%2F24d2aded8931e2036d73bdbcb2a02b22.jpg&family=yes

The Semiotics of Clothes in the Paintings of Mohammad Siah Qalam based on the Views of Roland Barthes *

Zainab Karimi Baba Ahmadi, MA Student of Iranian Painting, Faculty of Art, Shahed University, Tehran city, Tehran province, Iran.
Khashayar Ghazi zadeh, Assistant Professor of Faculty of Art (Department of Islamic Art), Shahed University, Tehran City, Tehran Province, Iran.

Received: 2022/09/4 Accepted: 2023/1/3



Mohammad Siah Qalam's paintings can be examined due to the focus on displaying all kinds of clothes. The clothing system was proposed as one of the symbolic elements by Roland Barthes. The **goals** of this research are the semiotics of clothes in the paintings of Mohammad Siah Qalam and deciphering their meanings. The two **questions** of this research include: 1. According to the opinions of Roland Barthes, what semiotic aspects are the clothes in the paintings of Mohammad Siah Qalam based on? 2. What are the differences and commonalities of clothes in the paintings of Mohammad Siah Qalam according to the social status of the different classes in the paintings? This article has been conducted using the descriptive-analytical **method** and using the fiche tool, library sources and documents. The statistical content of Siah Qalam's drawings is centered on the drawing of clothes, of which nine drawings have been selected non-randomly from reliable sources and have been discussed until theoretical saturation is reached. The qualitative information analysis method has been analyzed and investigated through the description and analysis of the pictures from the perspective of the research on the Siah Qalam's pictures. **Results** show that the accuracy of Siah Qalam's opinion in using the cover as a visual sign is to introduce the characters of the paintings. In Siah Qalam's works, the symbols can be tracked and classified in terms of the size and length of the clothes, the level of wear, and also on another level the use of accessories related to the clothes. Roland Barthes points out that the type and degree of adherence to these symbols can be perceived in the audience's perception of the social level of people, and in the characters created by Siah Qalam, the clothes and the way they are displayed on the figures, guide the audience in distinguishing a character from each of the social spectrums depicted by Mohammad Siah Qalam. Semiotics is one of the new methods in human sciences, and since the 1950s, it has been used as a research method, especially in «cognition of significations» and «perception of communication mechanisms». Saussure introduces semiotics as a science to study the role of signs as a part of social life. Peirce also called semiotics the formal theory of signs, which is closely related to logic. Semiotics is a science based on the study of cultural phenomena which belong to semiotic systems and also deals with the study and follow-up of all human behavioral methods in the course of communication. Siah Qalam uses the style of pointillism to depict the texture of the body's skin and

*The present article is extracted from the MA thesis of the first author (Zeinab Karimi Baba Ahmadi) in the field of Iranian painting which is being conducted at the Faculty of Art of Shahed University with the title of «Beauty and Ugliness in the Strange Paintings of Master Mohammad Siah Qalam» under the guidance of the corresponding author, Dr. Khashayar Qazi zadeh.



Negareh

the texture of the clothes, and shows the details of the clothes with a range of balanced and parallel lines. Another point that can be understood from the study of Master Mohammad Siah Qalam is the different way of writing by Mohammad Siah Qalam compared to other masters of painting. Barthes is in favor of the opinion that the meaning of the elements is in the endless scope of modern human life. He states about the «elements of semiotics» that the sign, like its model, is made up of a signifier and a signified, and society with denotative goals has diverted them from the main path of their essence to another direction and has given them a meaningful function. For example, clothes are for covering the body and food is for nutrition; while these two examples are also used as an indication. These signs can be called «functional signs (function-sign)»; because they are functional and they appeared due to the need to use them. Barthes' major work in the field of semiotics is based on these functional signs; what attracts attention most of all in Mohammad Siah Qalam's paintings is the accuracy in separating the layers with signs such as clothes and ornaments, and of course, the adherence to accuracy in drawing and the accuracy in details of creation of his pieces in periods of his work. The fashion system is a system that is formed based on the decisions of a few consultants and based on equivalences and combinations; it shows optional relationships such as mandatory and natural relationships and also a kind of mandatory law. The language of fashion does not originate from the speaking mass, but it is issued by a group that makes fundamental decisions and carefully shapes and constructs the code. The method of covering is taken from traditions; Clothes form the language in the clothing system as they are worn. Speech in the cover system includes all the phenomena related to the individual construction of the cover or irregular construction. In the end, examination of his works determined that «Mohammed Siah Qalam» was one of the painters who went beyond the framework of the general rules governing Iranian painting.

Keywords: Semiotics, Clothing, Painting, Mohammad Siah Qalam, Roland Barthes

Reference: Abbaspour, Ibrahim. (1390). An introduction to semiotics. Two-year specialized scientific journal of Islam and social sciences. third year. Number 6.

Agenda, Yaghoob. (1369). horofiye in history. Tehran .ney.

Alam, Nemat Ismail. (1386). Arts of the Middle East in the Islamic era. Translated by Abbas Ali Tafzali. second edition. Astan Quds Razavi Publications.

Barthes, Roland. (1967). Elements of semiotics, translated by Annette Lavers and Colin Smith, Jonathan Cape, London.

Bani Asadi, Nasim and Sojodi, Farzan. (1394). The semiotics of place in contemporary Iranian theater with an emphasis on the performance of Cinderella, Letter of Performing Arts and Music, Volume 6, Number 11.

Chevalier, Jean and Alain Gerbran. (1382). The culture of symbols. Translated by Sudaba Fazaili. Tehran. Jeyhun.

Dariush, Shambiani. (1375). Dictionary of words and combinations of Shahnameh. Tehran. Aran.

Chandler, D (2001). Semiotics (The Basic) USA & Canada.

Dehkhoda, Ali Akbar. (1373). Dictionary Dehkhoda. Volume 29. Tehran. University of Tehran Publishing and Printing Institute.

Dzi, R P. Ah. (2012). Muslim clothing culture. (Translated by Heravi, H.). Second edition. Tehran: Tehran University. [in Persian].

Dubucour, Monique. (1373). Live passwords. Translated by Jalal Sattari. Tehran. Markaz

Ehsani, Mohammad Taghi. (1368). Seven thousand years of metalworking art in Iran. First Edition.



Negareh

Tehran. Elmi va farhangi publications.

Ghasemian Dastjardi, Parvaneh; Alimohammadi Ardakani, Javad. (2018). The role of black and white color in film costume design is a proof of Roland Barthes semiotics (case study: two movies Annacarina and My Fair Lady). fine arts. Performing arts and music. The twenty-fourth period. Number 3. Pages 73 to 80.

Goodman, Nelson (1978). Ways of Worldmaking, Hackett Publishing Company. P. 94.

J. view. (1375). Egyptian mythology. Translated by Abulqasem Esmailpour. Tehran. thought of the day.

Keir, Elam. (2001), the Semiotics of Theatre and Drama, Rutledge London and New York.

Mateen, Peyman. (2013). Iranian clothing. Tehran. Cultural Research Office.

Munsi Sarkheh, Maryam. (1394). Symbols in clothing, Irana Monthly. fifth year Number 28.

Qapandaran, Vajiheh. (2011). The history of Iranian clothing (from ancient times to the present day). Qom. Mehr Bikaran.

Qolizadeh, Mohammad Reza, Shahvand, Ali. (2014). An analysis of the place of historical studies and historiography in encyclopedias and encyclopedias. Historiography and historiography. Number 15 (100 in a row).

S. Diba, L. (2003). Te Safavid era and the Qajars. From the series of Articles of Iranica Encyclopedia. Ehsan Yarshater seffort. Tehran: Amir Kabir. [in Persian].

Sharafuddin, Seyyed Hossein and Gholamreza Shafaq. (1400). An analytical approach to the mythology of Roland Barthes. Social cultural knowledge. 12th year The third consecutive issue of 47. Page 7 to 26.

Shirazi, Faegheh. (1370). Femalepo-shak during the Timurid era. kelk magazine. Number 24-23.

Sojudi, Farzan. (1393). Investigating the representation of women's clothing in the Sima television series (discourse semiotics approach). Tehran. Broadcasting Research Center.

Yahaghi, Mohammad Jaafar. (1369). Culture of Myths and Fictional Allusions in Persian Literature, Ministry of Culture and Higher Education Publications, Institute of Cultural Studies and Research. Tehran. Soroush.

Ziapour, Jalil. (1349) Iranian clothing from fourteen centuries ago to the beginning of the Pahlavi dynasty. Tehran. Ministry of Culture and Arts.

Youssefpour, Sogol, Fayaz Anoush, Abolhasan. (2015). Historical study of head covering in the Timurid era 771-911 A.H. History of Khwarazmi, Khwarazmi University, scientific-specialist quarterly, 4th year.

Yeganeh, Mohammad Reza, Javadi, Kashfi, Seyyed Ali. (1386). The system of signs in clothing. Strategic studies of women. Number 38.

Ziapour, Jalil. (1347). Iranian women's clothing, from the earliest times to the beginning of the Pahlavi dynasty. Tehran. Ministry of Culture and Arts.

Ziapour, Jalil. (1347). Iranian clothing from fourteen centuries ago to the beginning of the Pahlavi dynasty of Tehran. Ministry of Culture and Arts.

Pinterest site, under the title mohammad siah ghalam, retrieved on April 17, 1401:

/www.pinterest.com/pin/488640628297495541

https://yandex.ru/images/search?pos=9&text=mohamad%20siah%20ghalam&img_url=http%3A%2F%2Firanicaonline.org%2Fuploads%2Ffiles%2Fsiahqalam%2Fsiahqalam_fig_4.jpg&source=serp&rpt=simage&lr=11495&rlt_url=https://yandex.ru/images/search?pos=9



Negareh

3A%2F%2Fi.pinimg.com%2F736x%2F19%2F88%2Fe1%2F1988e116b1c94658d5df1db40507a950--catalogue-mythology.jpg&ogl_url=http%3A%2F%2Firanicaonline.org%2Fuploads%2Ffiles%2Fsiahqalam_fig_4.jpg

Yandex site, under the title mohamad siah ghalam, retrieved on June 21, 1401:

https://yandex.ru/images/search?pos=3&img_url=http%3A%2F%2Firanicaonline.org%2Fuploads%2Ffiles%2Fsiahqalam%2Fsiahqalam_fig_4.jpg&text=mohamad%20siah%20ghalam&lr=11495&rpt=simage&source=serp&family=yes&rtl_url=https%3A%2F%2Fpbs.twimg.com%2Fmedia%2FExk-Lq0WgAEd8af%3Fformat%3Djpg%26name%3Dmedium&ogl_url=http%3A%2F%2Firanicaonline.org%2Fuploads%2Ffiles%2Fsiahqalam_fig_4.jpg

Yandex site, under the title mohamad siah ghalam, retrieved on June 21, 1401:

https://yandex.ru/images/search?pos=13&img_url=http%3A%2F%2Fi.pinimg.com%2F originals%2F9e%2F09%2Faa%2F9e09aac71e241f494f3a8675368014c9.jpg&text=mohamad%20siah%20ghalam&lr=11495&rpt=simage&source=serp&family=yes&rtl_url=https%3A%2F%2Fupload.wikimedia.org%2Fwikipedia%2Fcommons%2Fd%2Fd4%2FSiyah_Qalem_-_Hazine_2153%252C_s.140a.jpg&ogl_url=http%3A%2F%2Fi.pinimg.com%2F originals%2F9e%2F09%2Faa%2F9e09aac71e241f494f3a8675368014c9.jpg

Yandex site, under the title mohamad siah ghalam, retrieved on January 1, 2023:

https://yandex.ru/images/search?pos=9&img_url=http%3A%2F%2Fi.pinimg.com%2F originals%2F0b%2Fb5%2F60%2F0bb560cfa1117487b1506b8bcc6fca28.jpg&text=mohamad%20siah%20ghalam&lr=11495&rpt=simage&source=serp&rtl_url=https%3A%2F%2Fpbs.twimg.com%2Fmedia%2FFF66IYWXsAQOQG3.jpg&ogl_url=http%3A%2F%2Fi.pinimg.com%2F originals%2F24%2Fd2%2Fad%2F24d2aded8931e2036d73bdbcb2a02b22.jpg&family=yes

Yandex site, under the title mohamad siah ghalam, retrieved on June 21, 1401:

https://yandex.ru/images/search?pos=13&img_url=http%3A%2F%2Fi.pinimg.com%2F originals%2F9e%2F09%2Faa%2F9e09aac71e241f494f3a8675368014c9.jpg&text=mohamad%20siah%20ghalam&lr=11495&rpt=simage&source=serp&family=yes&rtl_url=https%3A%2F%2Fupload.wikimedia.org%2Fwikipedia%2Fcommons%2Fa%2Faa%2FSiyah_Qalem_-_Hazine_2153%252C_s.152a.jpg&ogl_url=http%3A%2F%2Fi.pinimg.com%2F originals%2F9e%2F09%2Faa%2F9e09aac71e241f494f3a8675368014c9.jpg

The website of the artist's career, visual arts quarterly, under the title of satire in the paintings of Mohammad Siah Qalam, retrieved on September 17, 1401:

<https://herfeh-honarmand.com/blog/satir-der-naqashihay-mohammed-siah-qalam/>

davidrehunt site, retrieved on September 12, 1401:

<http://www.davidrehunt.com/TimuridTurkestanMetalwork.html>

Flickr site, retrieved on September 12, 1401:

<https://flickr.com/>

akg-images site, retrieved on September 12, 1401:

<http://www.akg-images.com.uk>

artang site, retrieved on 29th Shahrivar 1401, under the title of the works of Iranian miniaturist painter Kamaluddin Behzad:

<https://artang.ir/behzad-iranian-miniature-painter/>